



۲	مقدمه
۲	پیشینه قمار
۲	احتمالات موجود در مفهوم قمار
۲	احتمال اول
۳	احتمال دوم
۳	نسبت معنای اول و دوم
۴	احتمال سوم
۴	احتمال چهارم
۴	جمع‌بندی مفهوم قمار
۵	قمار در کتب لغت
۶	مباحث مربوط به قمار
۶	۱- صور ثبوتی لعب
۶	۲- مفهوم شناسی لغت قمار
۷	جمع‌بندی
۷	۳- واژگان مشابه
۷	«میسر»، «ازلام» و «شطرنج»
۸	مفهوم میسر
۹	۴- قمار در منظومه بازی
۱۰	۵- تفاوت قمار با مباحث دیگر مکاسب محرمه
۱۰	جایگاه قمار در مکاسب محرمه



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

حدود بیست جلسه در باب غیبت بحث کردیم دو سه نکته باقی مانده که نیازی به بیان آن نیست. وارد بحث قمار می‌شویم. بحث قمار از مباحث مهم بوده و انواع و اقسامی دارد. ابتدائاً از باب تیمن و تبرک، دو آیه در باب قمار ذکر می‌کنیم و بعد وارد تقسیمات و مباحث آن می‌شویم.

پیشینه قمار

قمار از قدیم هم در زندگی بشر بوده و اجمالاً به معنای برد و باختی است که با ابزار و آلات ویژه‌ای انجام می‌شود. به‌طور کلی مسئله برد و باخت، مسابقه و امثال آن تاریخ کهنی دارد و در بین آن‌ها قمار به عنوان آلاتی که برای برد و باخت انتخاب می‌شد دارای دو عنصر بود:

۱- ابزار و وسایل ویژه؛

۲- وجود برد و باخت.

طبق تقسیماتی که خواهیم گفت این دو عنصر از هم جدا می‌شوند.

احتمالات موجود در مفهوم قمار

احتمال اول

قدر متقین قمار این است که قمار، ابزار معد برای برد و باخت است و در آن برد و باخت هم هست، ممکن است معنای عام‌تری هم داشته باشد که بحث خواهیم کرد. به‌طور کلی قمار یک نوع بازی با آلات خاصی است که در آن برد و باخت هست؛ بنابراین طبق تعریف اجمالی، جنس آن «لعب» به شمار می‌آید. بازی انواع و اقسامی دارد که در باب قمار، سه قید وجود دارد سه قیدی که قدر متقین آن این است که:

جنس قمار «لعب» است؛



قید دوم آن که به صورت فصل در می آید این است که با آلات معدّه یعنی آلات خاصه است؛
قید سوم هم این است که در آن برد و باخت مالی و اقتصادی وجود دارد.
تعریفی که عرض کردیم قدر متیقن قمار است. جنس آن «لعب» بوده و فصل آن «بالآلات المعدّة مع وجود الرهان»
می باشد.

احتمال دوم

اختلاف در این قید سوم است، یعنی ممکن است کسی بگوید که لعب با آلات معدّه للقمار، همان قمار می شود ولو
در آن برد و باخت نباشد.

نسبت معنای اول و دوم

معنای دوم اعم از معنای اول است و به این ترتیب می شود گفت که دو معنای خاص و عام برای قمار پیدا شد.
در معنای اول قمار که لعب بالآلات معدّه مع وجود الرهان است، دو قید وجود دارد و لذا اگر لعب بدون این دو قید
یعنی آلات معدّه و الرهان باشد، خارج از قمار خواهد بود مثل بازی هایی که بچه ها انجام می دهند.
یا اینکه لعب به آلات معدّه باشد، ولی بالفعل برد و باختی در آن نباشد، این هم خارج از مفهوم می شود؛
یا اینکه رهان هم به همراه برد و باخت قرار داده شده باشد البته نه با آلات معدّه للقمار؛ بلکه وسیله ای خارج از
آلات قمار در آن به عنوان جایزه قرار دهند.
این سه قسم بیرون از معنای اول هستند.

معنای اجمالی را بحث کردیم. در مورد معنای تفصیلی باید گفت که معنای اول معنای تفصیلی، معنای خاص است،
قید اول لعب بالآلة المعدّة و قید دوم «مع وجود الرهان» بالفعل می شود و همه آن سه چهار قسم خارج از قمار
به حساب می آیند؛ که یا هیچ کدام از این دو قید نیست، یا اولی است و دومی نیست و بالعکس، این معنای خاص قمار
است.

در معنای دوم و عام قمار قید وجود رهان برداشته می شود لعب بالآلة المعدّة للقمار می شود. برد و باخت فعلی
باشد یا نباشد.



احتمال سوم

احتمال سوم هم - که ممکن است از دومی اعم باشد، این است که بگوییم احد القیدین کافی است تا قمار انجام شود، لعب چه با آلات معدّه و یا با رهان باشد قمار می‌شود، این‌که بگوییم قمار لعبی است که یا با آلات معدّه باشد و یا با رهان بدون آلات، احتمال بعیدی است. چراکه در این صورت، معنای قمار اعم بوده و سه قسم را شامل می‌شود و فقط یک قسم از آن بیرون می‌رود.

احتمال چهارم

احتمال چهارم، عکس احتمال دوم است - که فقط آلات معدّه را قید دانستیم، - و آن اینکه فقط رهان قید است و بازی که در آن برد و باخت باشد، چه با آلات و چه بدون آلات، قمار است. این چهار احتمال در مفهوم و تعریف قمار بود. تعیینش را با مراجعه به لغات و بحث‌ها، بعد می‌گوییم.

جمع‌بندی مفهوم قمار

چهار معنا برای مفهوم قمار متصور است. جنس قمار در همه این معانی، «لعب» است. اما اینکه قید قمار و لعب چیست؟ باید گفت:

- ۱- در معنای اول، قید قمار دو چیز است: «آلات معدّة للقمار» «مع وجود الرهان و برد و باخت»، هم با آن آلات خاصه و هم با برد و باخت بالفعل است. این معنای اول است؛ که همان معنای خاص است.
- ۲- معنای دوم، عام است و فقط قید اول را اخذ می‌کند و می‌گوید: لعب بالآلة معدّة سواء كان مع الرهان أو بدون الرهان.
- ۳- در احتمال سوم نیز که عام است، قید، به آلات معدّه نیست. بلکه قید، لعب با برد و باخت است. چه با آن آلات باشد و یا اصلاً آلات معدّه للقمار نیست پس معنای سوم عکس معنای دوم است.
- ۴- احتمال چهارمی که می‌شود بیان کرد این است که احد القیدین کافی است،

پس:



- لعبی قمار به حساب می‌آید که یا با آلات یا با رهان باشد که این معنای اعم است و سه صورت از آن چهار صورت را می‌گیرد هم آنجایی که هر دو هست و هم وقتی که یکی از آن‌ها هست،
 - لعبی قمار به حساب نمی‌آید که نه با آلات معده است و نه برد و باخت دارد. مثل بازی‌هایی که بچه‌ها با اسباب‌بازی انجام می‌دهند که برد و باختی در آن نیست و آلات معده نیز برای برد و باخت نیست.
- از بین چهار احتمال، فقط احتمال اول که دو قید «آلات معده للقمار» و «مع وجود الرهان و برد و باخت» را شامل می‌شود می‌گوید که قمار است.
- این چهار صورتی را که مفروض به لعب است اول با آلات همراه با رهن، دوم با آلات بدون رهن است سوم با رهن بدون آلات خاص و چهارم لعب بدون هیچ‌کدام از این چهار صورت، این چهار احتمال را با مفهوم قمار، تطبیق بدهید نتیجه‌اش این بحث می‌شود، احتمال اول آلات با رهن، احتمال دوم در تعریف قمار فقط آلات، احتمال سوم فقط رهن و برد و باخت و احتمال چهارم هم یکی از آن‌ها است این چهار احتمال موجب می‌شود که احتمال اول در تعریف، فقط یک قسم را بگیرد احتمال دو و سه دو قسم را می‌گیرد و احتمال چهارم سه قسم از آن چهار قسم را می‌گیرد این تصویری از تعاریفی که اینجا وجود دارد.

قمار در کتب لغت

دو نوع تعریف هم از کتب لغت استفاده می‌شود بعضی دارد که غالبه فراهنه یا راهنه فغلبه، مثلاً در قاموس و امثال آن این‌طور آمده که راهنه فغلبه در خیلی از کلمات این‌طور است، راهنوها فغلبه یعنی برد و باخت قرارداد و غالب شد. این تعریف بیشتر روی همان رهن و برد و باخت مغالبه با رهن تأکید دارد.

تا اینجا ما فقط بحث ثبوتی و واقعی می‌کنیم کاری به لغت نداریم در لغت دو نکته گفتیم.

در بحث قمار، لعب چهار فرض دارد، این چهار صورت ثبوتی مفروض است معنای قمار هم چهار احتمال ثبوتی دارد و یکی از این چهار احتمال باید باشد. احتمال پنجمی وجود ندارد.

ثبوتاً چهار صورت دارد چهار معنا هم ثبوتاً متصور است، در عالم ثبوت باید یکی از این‌ها را پذیرفت.



مباحث مربوط به قمار

۱- صور ثبوتی لعب

بحث اول ما در قمار این است که صور ثبوتی لعب به آلات مع الرهن چهار نوع است احتمالات متصوره در تعریف قمار هم چهار نوع است، وقتی با احتمالات ثبوتی تطبیق بدهیم نتیجه همان می‌شود که عرض کردیم، این بحث با تکراری که کردیم واضح شد.

۲- مفهوم شناسی لغت قمار

مبحث دوم این است که به لغت هم که مراجعه بکنیم، دو یا سه نوع کلمه در مفهوم شناسی لغت می‌بینیم یک نوع آن چیزی است که در قاموس و این‌ها آمده است که راهنوها فعلیه که تأکید دسته‌ای از کتب لغت بر مفهوم راهنه است یعنی لعبی که در آن برد و باخت است و بیشتر قید رهن را تأکید می‌کند و احتمال سوم می‌شود، چون معنای اول دو تا قید بود و معنای دوم، آلات بود و معنای سوم رهن بود، معنای چهارم هم احدهما. ظاهر تعدادی از کتب لغت طایفه اولی، کتب لغتی است که در مفهوم راهنوها و رهن و برد و باخت همراه با مغالبه تأکید می‌کند که بیشتر به احتمال سوم در مفهوم شناسی قمار نزدیک است. دسته دومی از کتب لغت مثلاً مجمع البحرین دارد، مرحوم شیخ به لغات دیگری نسبت داده است که به این شکلی که ایشان نسبت داده نیست این برداشت مرحوم شیخ از آن‌ها است، ولی در مجمع البحرین وجود دارد این دسته دوم است ممکن است لغت دیگری هم وجود داشته باشد من همین پنج شش تا را دیدم. این‌طور تعریف شده «اللعب بالآلات المعدة للقمار». این بر قید مفهوم دوم تأکید شده است یعنی آلات معدة را می‌گوید.

این هم دو نوع تعریفی که ما در کتب لغت داریم بعضی بر قید رهان و بعضی هم بر قید آلات معدة ترکیز کرده که همان احتمال دو و سه می‌شود منتهی ظاهر مجمع الآلة معدة للقمار.

بسیاری می‌گویند این‌طور نیست که بگوییم قسم اول فقط بر رهن تأکید می‌کند؛ مفروض لغت‌شناس و لغوی این است که آلات معدة آنجا است، ولی تصریح نشده است درواقع نوع سوم از کتاب‌های لغت هم داریم که بعضی از آن‌ها هم که تصریح کردند نوع سوم قرار می‌گیرد، نوع سوم هم داریم که ظاهر بعضی از آن کتب لغت این است که هر دو قید



از آن استفاده می‌شود که احتمال اول می‌شود. بعضی هم گفتند در نوع اول از کلمات لغوی هم که گفته شده است، راهنوها فغلبه مقصودش همان به آلات قمار است نه بدون آن یا کلام لغوی منصرف به این صورت است نه بدون آن. کسی که در فضای ارتکازات قرار گرفته است می‌گوید که من در این فضای ارتکازاتم فکر می‌کنم ظهور این کلمات این است که تأکید بر رهنی که شده است نمی‌خواهد آلات را نفی بکند آن آلات مفروض است و برقید دومش کمتر تأکید می‌کند.

جمع بندی

- یک بحث احتمالات صور و احتمالات ثبوتی در مفهوم قمار بود.
- بحث دوم ما مفهوم شناسی لغوی بود و سه نوع تعبیری که در لغت وارد شده بود این دومین بحثی است که سه نوع کلمات لغوی داشت.

۳- واژگان مشابه

بحث سوم مقدماتی که اینجا عرض می‌کنیم این است که در بحث قمار، غیر از واژه قمار واژگان دیگری هم در قرآن روایات آمده است که به آن‌ها باید توجه کنیم.

«میسر»، «ازلام» و «شطرنج»

واژگان دیگر هم به این ترتیب است. یکی از آن‌ها میسر است؛ که واژه قرآنی است در قرآن ما کلمه قمار نداریم، قمار بیشتر یک واژه سنتی و حدیثی است در احادیث قمار و قمره و قمر و قمر و مشتقاتش آمده است؛ که از باب مفاعله است قمار مقامره، درستش هم قمار است. در فارسی قمار گفته می‌شود درست آن قمار است. در روایات، مفهوم قمار بیشتر آمده است در کتب فقهی و اصطلاح فقهی و در لسان متشرعه قمار آمده است که اجمالاً مفهوم شناسی کردیم ولی اتخاذ مبنا را بعد عرض می‌کنیم.

در قرآن دو سه واژه دیگری آمده است که یکی از آن‌ها میسر است که در دو سه آیه آمده است و یکی هم واژه ازلام است. این دو واژه‌ای است که در قرآن بیشتر آمده است. میسر در دو جا حداقل آمده است که آیاتش را می‌خوانیم آیه ۲۱۹ بقره است یکی هم آیه ۹۰ مائده است. واژه ازلام هم در ۹۰ مائده آمده است. این هم دو واژه‌ای که در قرآن آمده است.



در روایات غیرازاین واژگان دیگری هم آمده است شطرنج آمده است؛ که نوع خاصی از قمار است. نرد یا جوز هم آمده است که این‌ها انواع خاصی از قمار است.

در قرآن دو واژه میسر و ازلام آمده است و در روایات علاوه بر قمار و میسر و ازلام، واژه شطرنج زیاد آمده است نرد و جوز هم آمده است چیزهای دیگر هم آمده است. به اختصار در مورد هر یک از این‌ها توضیحی بدهیم واژه میسر که از ماده یسر، به معنای آسانی است که میسر هم به خاطر این به قمار گفته شده است که مالی را به آسانی یا مفت و مجانی به دست می‌آورد اصل انتقال از این معنا به آنجا به مناسبت این است که به آسانی مالی را به دست می‌آورد. این وجه ریشه‌ای آن است دو تا معنا برای میسر ذکر شده است حداقل، یک معنای آن این است که میسر یعنی همان قمار که همان عمل برد و باخت و این‌ها است و یک معنا هم این است که میسر همان آلات قمار است که سابقاً بحث کردیم، میسر یعنی آن ابزار و وسایلی که با آن قمار می‌شود نه خود فعل، به یک معنا فعل است و به یک معنا آلات است. کما اینکه در قمار هم آقای سبحانی و این‌ها دارند؛ که قمار گاهی هم بر آلات اطلاق می‌شود ولی آنجا که بر آلات اطلاق می‌شود حتماً مجاز است.

مفهوم میسر

در میسر بعضی می‌گویند خود فعل است و بعضی آلات می‌گویند. مثل حضرت امام و این‌ها گفتند که مثل مشترک لفظی که هر دوی این‌ها را بتواند بگیرد. این هم میسر است که بنا بر معنای اول نزدیک‌ترین به واژه قمار همین میسر است، طبعاً وقتی معنای قمار شد همان احتمالات در باب قمار اینجا هم می‌آید که بگوییم مفهومش همان لعب به آلات مع الرهان لعب بالآلة است یا لعب بالرهان است و یا لعب باحدهما است.

بقیه آن واژگانی که در قرآن آمده است. از انواع خاص است واژه‌های عام همین قمار و میسر است واژگان دیگر انواع خاصی از این بازی‌ها را می‌گوید یکی ازلام است که در قرآن آمده است که یک بازی خاصی بوده است که گروه خاصی ترتیب می‌دادند این نوع خاصی از قمار بوده است که بعد بحث می‌کنیم.

نرد و جوز هم که با گردو بازی می‌کردند؛ و شطرنج و کعب هم در روایات آمده است حدوداً پنج تا که ممکن است علاوه بر این‌ها هم چیزی باشد، این معانی، واژگانی است که شامل نوع خاصی از قمار است و مفهوم کلی برد و باخت است. این هم بحث سوم در مقدمات بحث که واژگان نزدیک یا هم‌خانواده با این موضوع بود.



۴- قمار در منظومه بازی

بحث چهارم که در مقدمات به آن اشاره می‌کنیم این است که مبحث قمار در آن منظومه‌سازی‌های فقهی که ما روی آن تأکید داریم و ما را به سمت آن نظام سازی‌ها می‌برد و سابقاً در اینجا یا در فقه التریبیه بحث کردیم.

ما در حقیقت دو تا مبحث عام داریم که قمار می‌تواند در هر یک از این دو منظومه قرار گیرد یکی بحث لعب که از نظر فقهی یک مبحثی است و قابلیت دارد که یک منظومه‌ای برایش درست شود.

ما سابق بحث‌های مختلفی که داشتیم، تقسیماتی برای انواع بازی ذکر می‌کردیم قمار مثل سبق و رمایه و مباحث متعدد دیگری در فقه است که می‌شود همه آن‌ها را در یک مبحث کلی به نام بازی جمع کرد. به عنوان باب اللعب، کتاب بازی و به عنوان کتاب فقهی تدوین بشود که طبعاً خیلی از مسائل جدید هم می‌تواند در آنجا قرار بگیرد و همه این‌ها با این نگاه در این منظومه قرار می‌گیرد.

از جهت دیگر بحث قمار از باب اینکه در قمار برد و باخت و نوعی کسب و معامله است می‌تواند در باب تکسبات قرار بگیرد.

در اینجا بحث قمار از حیث برد و تکسب و به دست آوردن مال آمده است و در منظومه مباحث مکاسب قرار گرفته است؛ اما یک حیث دیگری دارد که اعم از این است که برد و باخت باشد و نباشد و این‌ها که می‌تواند در کتاب الالعب تنظیم بشود و مورد بحث قرار بگیرد.

مباحثی قبلاً در سبق و رمایه و همین مبحث داشتیم که همه می‌تواند در کتاب اللعب و یا کتاب الالعب به عنوان کتاب منظم جدید فقهی تنظیم بشود. خیلی از مباحث جدیدی در باب بازی هست که می‌تواند در این کتاب جا بگیرد البته مباحث جدید دیگری هم می‌شود در آنجا قرار داد. مباحثی که در فقه التریبیه، راجع به بازی کودک و بازی‌ها بحث کردیم می‌شود در کتاب اللعب آورد.

این هم مبحث چهارم است که اگر اول می‌گفتیم مناسب‌تر بود. بحث‌های بعدی نزدیک در سلب موضوع است و دید کلی در بحث قمار است، از همین بحث معلوم شد که ما قمار را که در مکاسب محرمه بحث می‌کنیم از حیث این است که در بسیاری از مواقع ما با این کار مالی را به دست می‌آوریم و این بحث پیش می‌آید که این تکسب و اکتساب مال، حلال است یا حرام؟ تکلیفاً و وضعاً بحث می‌شود.



۵- تفاوت قمار با مباحث دیگر مکاسب محرمة

نکته پنجمی که اینجا هست این است که تفاوتی که قمار با غیبت یا غنا از حیث ارتباطش با مکاسب المحرمه دارد چیست؟

کل این بحث‌های که می‌آوریم یعنی اعمال محرمة‌ای که منشأ تصمیم می‌شود غنا، غیبت، تهمت، یک کاری است که با قطع نظر از مکاسب المحرمه حرام است و ذاتش هم مال‌زا نیست، چیزی را کسب نمی‌کند اما در بحث می‌آید همین غیبتی که ذاتاً کسی با آن معامله نمی‌کند ولی گاهی با آن معامله می‌کند. این نوع چهارم است یعنی اعمال محرمة‌ای که قد یکتسب به، از این جهت در مکاسب بحث می‌شود.

جایگاه قمار در مکاسب محرمة

مکاسب محرمة پنج قسم است نوع اول و دوم و سومش را بحث کردیم، نوع چهارم الاعمال محرمة ذاتی که قد یکتسب بها و یکی هم غنا بود و غیبت بود. قمار هم در اینجا قرار گرفته است اما این نکته تفاوت ظریفی دارد که در قمار حداقل بنا بر بعضی از معانی خود آن تکسب برد و باخت در مفهوم آن است. هیچ‌کس نمی‌گفت که مثل غنا و غیبت که تکسب در مفهومش است. با یک تعریفی عمل حرامی است «ذِكْرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ»^۱ یا تعریف دیگری که در قمار است اما گاهی غیبت به صورت عرضی درآمدزا می‌شود، اما در مفهوم قمار حداقل بنا بر بعضی از این تعاریفی که گفتیم اکتساب است یعنی مال‌زایی و درآمدزایی است اینجا این تفاوت را دارد. اگر کسی بگوید فقط لعب بالآلایه است در ذاتش این نیست گرچه غالباً لهو در آن است و لذا درآمدزایی در اعمال محرمة دیگر امر ارضی بود و خیلی وقت‌ها غالبی هم نبود اما در قمار بنا بر بعضی از تعاریف ذاتاً درآمدزایی هست، بنا بر تعاریف دیگر امر غالبی آن است یعنی کارش این است که از این طریق پول در بیاورد در آن برد و باخت است. این یک تفاوت ظریفی است که اگر با آن مقایسه بکنید ملاحظه می‌کنید. این هم مبحث پنجمی است که در اینجا است؛ و صلی‌الله علی محمد و آله طاهرین.

^۱ - وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص: ۲۸۱.